



The Concept of Knowledge in Iran Criminal Law and International Criminal Court

Aref Rashnudi¹, Mohammad Ali Ardabili², Omran Ali Mohmadi³, Zahra Mirzaei⁴

¹ Ph.D in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**), Email: Arefrashnudi@gmail.com

² Prof, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: m-ardebili@sbu.ac.ir

³ Ph.D in Criminal Law and Criminology, Director General of Justice of Ilam Province, Email: omran1348@yahoo.com

⁴ LLB in Criminal Law and Criminology, Qom University, Email: zahra1366199@gmail.com

Abstract

The knowledge of the perpetrator is one of the most challenging components of the realization of crimes in Iranian criminal law and International Criminal Law. In the system of international criminal law, before drafting of the statute of International Criminal Court, and in Iranian criminal law, before the Islamic Penal Code 1392, the issue of the perpetrator's knowledge was never discussed independently. In the Rome Statute and in the Islamic Penal Code, under the *mens rea*, it has referred to the knowledge of the perpetrator for the realization of crimes. However, despite these provisions, this issue still faces conceptual challenges due to the use of vague terms in the definition of knowledge. Thus, in this study, this issue was examined descriptively and analytically and the results of this research include determining the concept of knowledge in Iranian criminal law and International Criminal Court. This research also shows that logical knowledge for predicting the criminal result includes the prediction of a certain and definite outcome, not a possible prediction; on the other hand, knowledge as a cognitive element in some cases can replace or cover the administrative element.

Keywords: The concept of knowledge, *Mens rea*, Iranian criminal law, International Criminal Court.

Received: 2023/02/21 ; **Revised:** 2024/03/01 ; **Accepted:** 2024/06/02 ; **Published online:** 2024/09/22

How To Cite: Rashnudi, Aref; Ardabili, Mohammad Ali; Ali Mohmadi, Omran; Mirzaei, Zahra (2024).

The Concept of Knowledge in Iran Criminal Law and International Criminal Court, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(3), 89-116. <https://doi.org/10.22091/csiw.2024.9167.2395>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



مفهوم علم در حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی

عارف رشنودی^۱، محمدعلی اردبیلی^۲، عمران علی‌محمدی^۳، زهرا میرزائی^۴

^۱ دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران
 (نویسنده مسئول)، رایانامه: Arefrashnudi@gmail.com
^۲ استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران، رایانامه: m-ardebili@sbu.ac.ir
^۳ دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدیرکل دادگستری استان ایلام، رایانامه: omran1348@yahoo.com
^۴ کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، رایانامه: zahra1366199@gmail.com

چکیده

علم مرتکب به‌عنوان یکی از پرچالش‌ترین اجزاء سازنده در باب تحقق جرائم، در حقوق کیفری ایران و حقوق بین‌الملل کیفری است. در سیستم حقوق بین‌الملل کیفری تا قبل از تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و در حقوق کیفری ایران تا قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، موضوع علم مرتکب، هیچ‌گاه به‌صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته بود. در کنفرانس رم و در قانون مجازات اسلامی در ذیل رکن روانی، به علم مرتکب برای تحقق جرائم و توجه مسئولیت کیفری نسبت به مرتکبین اشاره شده است، اما علی‌رغم پیش‌بینی این مقررات، به علت استفاده از عبارات مبهم در تعریف علم، همچنان این امر از حیث مفهوم‌شناسی با چالش مواجه است. ازاین‌رو، در این پژوهش به‌صورت توصیفی - تحلیلی این موضوع بررسی شده و نتایج این پژوهش شامل، مشخص نمودن مفهوم علم در حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، همچنین این پژوهش نشان می‌دهد، علم منطقی برای پیش‌بینی نتیجه مجرمانه، شامل پیش‌بینی نتیجه حتمی و قطعی است نه پیش‌بینی احتمالی، از طرفی علم به‌عنوان عنصر شناختی در برخی موارد، می‌تواند جایگزین عنصر اداری و یا پوشش‌دهنده آن باشد.

کلیدواژه‌ها: مفهوم علم، رکن روانی، حقوق کیفری ایران، دیوان کیفری بین‌المللی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱
 استناد به این مقاله: رشنودی، عارف؛ اردبیلی، محمدعلی؛ علی‌محمدی، عمران؛ میرزائی، زهرا (۱۴۰۳). مفهوم علم در حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۳)، ۸۹-۱۱۶.

<https://doi.org/10.22091/csiw.2024.9167.2395>

مقدمه

با توجه به اهمیت بحث تحقق جرائم بین‌المللی و بررسی جایگاه و نقش هر یک از عوامل مؤثر در تحقق این جرائم و نظر به اینکه علم مرتکب از مباحث بحث‌انگیز و اختلافی در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق کیفری ایران، از باب تحقق جرائم است؛ بدین نحوه که در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت مانند دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق^۱ و دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا^۲ که به‌صورت صریح و روشن به جایگاه علم مرتکب در تحقق جرائم بین‌المللی اشاره نشده است^۳ و در عمل باعث حدوث چالش‌های برای محاکم کیفری بین‌المللی گردیده‌اند.^۴

اگرچه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در ماده ۳۰ برای اولین بار در کنار قصد مجرمانه، به علم مرتکب در تحقق جرائم بین‌المللی اشاره نموده است، اما در عمل با توجه به رویه محاکم بین‌المللی، گاهی علم را محدود و در مفهوم^۵ قدرت و توانایی درک ماهیت رفتار ارتكابی می‌دانند

1. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia

2. International Criminal Tribunal for Rwanda

۳. در اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی موقت، به صورت مستقل در یک ماده، به اجزاء رکن روانی جرائم پرداخته نشده بود، از این حیث و با توجه به نقص موجود، قضات این محاکم با استفاده از مبانی و مفاهیم حقوق کیفری داخلی، به تفسیر علم مرتکب به عنوان یک جزء از رکن روانی پرداخته‌اند و از آنجا که مفهوم علم در هریک از نظام‌های حقوقی داخلی (اعم از کشورهای تابع سیستم حقوقی عرفی، رومی ژرمنی و...) متفاوت می‌باشد، از این رو در عمل آراء و رویه‌های متفاوتی در این محاکم، پیرامون علم مرتکب شکل گرفته است. در این راستا، با تجربه‌های موجود و به منظور رفع این چالش‌ها، در اساسنامه رم و در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ میلادی تصویب و در اول جولای ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد، با پیش‌بینی ماده ۳۰ اساسنامه تا حدودی این چالش‌ها برطرف گردیده است.

۴. در نظام حقوق بین‌الملل کیفری تا قبل از تدوین اساسنامه رم، موضوع علم مرتکب به عنوان یک جزء از رکن روانی، هیچ‌گاه در منشور و اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته بود و تنها در مقام تعریف و ذکر مصادیق و اجزاء تشکیل‌دهنده جرائم داخل در صلاحیت این محاکم و گاه‌ها در باب توجه مسئولیت نسبت به مرتکبین، به موضوع علم اشاره شده بود. و این امر باعث تفاسیر متفاوتی از علم مرتکب و گسترش آن بر رکن مادی جرائم شده است.

۵. نظر به شیوه نگارش و تدوین ماده ۳۰ اساسنامه رم - رکن روانی - که مقرر می‌دارد: «۱- جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد، هیچ کس دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جنایات که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است مجازات شود، مگر اینکه عنصر مادی جرم همراه با قصد و علم باشد. ۲- در چارچوب اهداف این ماده شخص در جایی قصد دارد که: الف) در ارتباط با رفتار، شخص بخواهد آن رفتار را انجام دهد؛ ب) در ارتباط با نتایج، شخص بخواهد آن نتیجه را به وجود آورد یا آگاه باشد که آن نتیجه در پی رخدادهای معمول محقق می‌شود.

۳- مطابق این ماده، وجود علم مفروض است موقعی که شخص آگاه باشد که شرایط وجود دارد و یا نتیجه در مسیر طبیعی حوادث اتفاق خواهد افتاد. «علم (knowledge) و آگاهی (awareness) را به صورت مترادف ذکر نموده و همچنین رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی نیز، این دو را به صورت مترادف استعمال نموده است.

6) (Orić, 2002: 279 & Brđanin, 2001: 6) اما در برخی موارد، قلمرو علم را گسترش داده و علاوه بر قدرت و توانایی درک ماهیت رفتار ارتكابی، قدرت درک آثار ذاتی و طبیعی آن رفتار را نیز در شمول علم می‌دانند و حتی در برخی موارد دامنه و قلمرو علم را شامل توانایی درک خسارت و خطری که از ناحیه رفتار ارتكابی متوجه حقوق و مصالح مشروع دیگران است، گسترش می‌دهند (Blaškić, 2003:152). از آنجا که این تفاسیر، دامنه و قلمرو علم را به پیش‌بینی نتایج مجرمانه، حاصل از عملیات ارتكابی و با معیارهای متفاوت گسترش می‌دهند، بسیار چالشی است، بدین توضیح که در برخی موارد دامنه پیش‌بینی نتایج عملیات ارتكابی را شامل پیش‌بینی نتایج احتمالی حاصل از رفتار ارتكابی و در برخی موارد پیش‌بینی نتایج طبیعی رفتار ارتكابی گسترش داده‌اند و در رویه عملی دیوان کیفری بین‌المللی با توجه به منابع حقوق کیفری ملی و عرف بین‌الملل، آراء مختلف پیرامون این موارد انشاء نموده‌اند. در این راستا سؤالاتی که در اینجا مطرح می‌گردد و موضوع بسیار چالشی است، این است که:

الف. علم و آگاهی^۱. منطقی برای پیش‌بینی نتیجه مجرمانه، شامل پیش‌بینی نتیجه حتمی و قطعی است یا اینکه صرف علم و آگاهی از وقوع احتمالی نتیجه کافی است؟ (سؤال اصلی)؛ ب. در چه صورتی علم به عنوان عنصر شناختی می‌تواند جایگزین عنصر اداری و یا پوشش‌دهنده آن باشد؟ (سؤال فرعی)؛ پ. در سطوح مختلف قصد، دامنه و قلمرو علم و آگاهی مرتکب، با عنصر ارادی مرتکب چه

1. ... Article 30 - Mental element,

- 1) Unless otherwise provided, a person shall be criminally responsible and liable for punishment for a crime within the jurisdiction of the Court only if the material elements are committed with intent and knowledge.
- 2) For the purposes of this article, a person has intent where: a) In relation to conduct, that person means to engage in the conduct; b) In relation to a consequence, that person means to cause that consequence or is aware that it will occur in the ordinary course of events.
- 3) For the purposes of this article, "knowledge" means awareness that a circumstance exists or a consequence will occur in the ordinary course of events. "Know" and "knowingly" shall be construed accordingly.

ماده ۳۰ اساسنامه رم - رکن روانی - که مقرر می‌دارد:

«۱) جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد، هیچ کس دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جنایات که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است مجازات شود، مگر اینکه عنصر مادی جرم همراه با قصد و علم باشد.

۲) در چارچوب اهداف این ماده شخص در جایی قصد دارد که: الف- در ارتباط با رفتار، شخص بخواهد آن رفتار را انجام دهد؛ ب- در ارتباط با نتایج، شخص بخواهد آن نتیجه را به وجود آورد یا آگاه باشد که آن نتیجه در پی رخدادهای معمول محقق می‌شود.

۳) مطابق این ماده، وجود علم مفروض است موقعی که شخص آگاه باشد که شرایط وجود دارد و یا نتیجه در مسیر طبیعی حوادث اتفاق خواهد افتاد. «علم (knowledge) و آگاهی (awareness) را به صورت مترادف ذکر نموده است.

ارتباطی دارد؟ (سؤال فرعی)؛ ت. سوءنیت احتمالی یا تقصیر جزایی تحت شمول ماده ۳۰ اساسنامه روم قرار می‌گیرد؟ (سؤال فرعی) در این رابطه نظرات مختلفی مطرح گردیده است، اما در رابطه با سؤال اول به نظر می‌رسد که صرفاً «علم و آگاهی قطعی برای پیش‌بینی نتیجه را در قلمرو موضوع مطروحه قرار می‌گیرد.» در رابطه با سؤال دوم، به نظر می‌رسد، علم مرتکب جرم به‌عنوان عنصر شناختی، می‌تواند جایگزین و پوشش‌دهنده عنصر ارادی باشد. همچنین در رابطه با سؤال سوم، با توجه به اینکه سطوح مختلف قصد در طول همدیگر قرار دارند، به نظر می‌رسد که دامنه علم مرتکب، در این سطوح، از بالا به پائین متفاوت است و عنصر ارادی ضعیف‌تر و برعکس عنصر شناختی (علم مرتکب) قوی‌تر می‌شود. در رابطه با سؤال چهارم، به نظر می‌رسد، به نظر سوءنیت احتمالی یا تقصیر جزایی نمی‌تواند، تحت شمول ماده ۳۰ اساسنامه روم قرار گیرد. از این‌رو با عنایت به مراتب یاد شده فوق، در این پژوهش تلاش و هدف بر این است که ضمن بررسی فرضیه‌های مطروحه، با نگاه تطبیقی، مفهوم علم مرتکب در حقوق کیفری ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مشخص گردد.

۱. مفهوم علم در حقوق کیفری ایران

علم در لغت، به معنای دانستن، یقین کردن و دانش آمده است (معین، ۱۳۷۱: ۷۷۲). آگاهی به‌عنوان مترادف علم نیز در معنای، علم، معرفت، اطلاع و خبر ذکر شده است (معین، ۱۳۷۱: ۶۲). از دیدگاه برخی از فلاسفه، علم از کیفیات نفسانی است که هر کس آن را آشکارا در خود می‌یابد (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۲۹). بنابراین همچنان که اشخاص می‌دانند، لذت، درد، گرسنگی و تشنگی به چه معناست، معنای علم را نیز درک می‌کند. منظور از آگاهی، آگاهی نسبت به موضوع است؛ یعنی مرتکب باید نسبت به رکن مادی جرم علم داشته باشد که فقدان آن سبب تزلزل رکن روانی می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۵). این امر که آیا آگاهی جزئی از اراده محسوب می‌شود یا خیر از دیرباز ذهن محققین و اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. ارسطو عملی را ارادی می‌دانسته که فارغ از اجبار و با علم و آگاهی باشد (برنجکار، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

علم یا آگاهی به‌عنوان یک جزء از رکن روانی جرائم، عبارت است از یقین و دانش داشتن که مربوط به مرحله مجرمیت و تحقق جرم است و دامنه آن تنها در مورد اجزاء رکن مادی است. اگرچه برای علم و آگاهی تعاریف مختلفی توسط دکتربین حقوق کیفری مطرح گردیده است، از جمله این تعاریف، عبارت‌اند از علم و آگاهی در حقوق کیفری به‌عنوان یکی از اجزا سازنده رکن روانی به معنای اطلاع و شناخت مرتکب از حکم و موضوع یک رفتار ناقض قوانین کیفری است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۶: ۲۹۵). در تعریف دیگر، آگاهی و علم راه معرفت فاعل هم به کیفیت فعل مجرمانه و هم نامشروع بودن آن تعبیر می‌کنند (اردبیلی، ۱۳۹۸: ۲۳۵). علی‌ای حال با توجه به ارتباط مفهوم علم با مبانی فقه و اصول،

لذا در این قسمت از پژوهش مفهوم علم را با توجه به مفهوم جهل از نظر لغوی و اصطلاحی در فقه، اصول و حقوق کیفری مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. مفهوم آگاهی با توجه به جهل و انواع مختلف آن

پژوهش پیرامون آگاهی به عنوان یکی از دو عنصر رکن روانی (اجزای رکن روانی شامل، اراده و علم)، هم زمان موضوع مطالعه یکی از مهم ترین مباحث حقوق کیفری، یعنی بحث جهل یا اشتباه است. منتفی بودن علم درست به معنای جهل یا اشتباه است، به این ترتیب، ارتباط محکمی بین قواعد قصد مجرمانه و موضوع جهل و اشتباه است. اگر بگوییم علم به یک واقعه، شرط وجود قصد مجرمانه است، این بدان معنا است که جهل و اشتباه، در این واقعه منتهی به انتفاع قصد مجرمانه می شود. بدین ترتیب می توانیم بگوییم که «بحث جهل و اشتباه، همان نظریه قصد مجرمانه در مفهوم سلبی است» (نجیب حسنی، ۱۳۹۳: ۵۵).

برای شناخت مفهوم علم و گستره آن، باید به مفاهیم مرتبط با این امر توجه شود. در زبان فارسی جهل در معنای ضد علم و معادل نادانی یعنی ضد دانایی است، از این رو فردی که علم ندارد، جاهل خوانده می شود. جهل در لغت در معانی مختلفی به کار می رود که اساس این معانی به ضدیت با علم برمی گردد. برخی از لغویین جهل را در مفهوم ضد علم آورده اند (الزبیدی، ۱۳۸۵ ه. ق: ۲۶۸). برخی دیگر نیز، جهل را به (خلاف العلم) تعریف نموده اند (الجوهری، ج ۴، ۱۴۰۷ ه. ق: ۱۶۶۳) و در لسان العرب جهل به نقیض علم تعریف شده است (ابن منظور، ج ۱۱، ۱۴۰۵ ه. ق: ۱۲۹). بنابراین با توجه به مراتب مذکور می توان گفت جهل در سه معنای ضد علم، نقیض علم و خلاف علم به کار رفته است، از طرفی نیز جهل دارای دو نوع کلی یعنی جهل بسیط و جهل مرکب است. در تعریف جهل مرکب و جهل بسیط، نقطه مشترک آن دو فقدان علم است، با این تفاوت که در جهل مرکب، فرد مدعی علم است، در حالی که در جهل بسیط فرد مدعی علم نیست. سؤالی که در رابطه علم و جهل در اینجا مطرح می شود این است که آیا جهل نقیض علم است یا ضد آن؟ به عبارت دیگر آیا این دو مفهوم مانعه الجمع و مانعه الخلو هستند (مانند شب و روز) و یا اینکه این دو مفهوم فقط مانعه الجمع هستند (مانند مفاهیم سیاه و سفید)؟ از حیث لغوی پاسخی در این زمینه وجود ندارد، زیرا جهل در معانی خلاف علم، نقیض علم و ضد علم به کار رفته است. لذا برای پاسخ به این امر باید در معانی اصطلاحی جهل اقدام به تحلیل و یافتن پاسخی مناسب نمود. چنان که می دانیم انسان نسبت به مسئله ای، یا علم دارد و یا علم ندارد.

در صورت علم داشتن یا علم او مصادف با واقع موجود است (علم صحیح) یا مصادف با واقع نیست (جهل مرکب یا اشتباه) در صورت فقدان علم یا شخص کاملاً علم ندارد (جهل کامل) یا احتمال صحت یا درستی امری را می دهد. وقتی فردی در خصوص واقعیتی یا موضوعی علم ندارد، اما صحت و درستی آن را احتمال می دهد، او در واقع نسبت به آن مسئله جاهل است. زیرا احتمال هم از شبهات جهل است، از این رو فردی که علم دارد احتمال به خود راه نمی دهد و برعکس، انسانی جاهل است که دست به

دامن احتمال می‌زند. نکته جالب توجه ذکر این است که احتمال هم بسته به میزان آن دارای درجاتی است. اگر درصد احتمال بیش از پنجاه درصد و یا نصف آن باشد، ظن نامیده می‌شود.

فردی که ظن دارد مسلماً علم ندارد، اما چون نسبت به جهل خود عالم است جهل او بسیط است و از نظر اصولیین ظن علم‌آور نیست و ظن به‌طور کلی حجیت‌آور نیست. توضیح اینکه ظن گاهی لازم‌الاتباع است و آن در جایی است که دلیلی بر حجیت آن وجود دارد، مانند حجیت خبر واحد و حجیت ظاهر و برعکس این امر نیز صادق است، یعنی به‌خاطر وجود دلیلی مبنی بر عدم حجیت آن نباید به آن علم کرد. از این‌رو در خصوص حجیت یا بطلان یک ظن، اگر دلیلی نداشتیم، این ظن به لحاظ احکام، تابع شک است؛ یعنی فرد به تمام معنا مردد است و تکلیف او تحت مباحث شک و شبهه در علم اصول فقه تعیین شده است. اگر درصد علم و احتمال کمتر از پنجاه درصد باشد به چنین احتمالی وهم گفته می‌شود که با دو نوع از میزان علم و احتمال ذکر شده است؛ یعنی شک و ظن از جهت ماهیت هیچ اختلافی ندارد، یعنی هر سه قسم آن، نوعی جهل هستند. لذا این موارد علم‌آور نیستند. نتیجتاً باید گفت که علم نقیض جهل است، یعنی یک فرد، نمی‌تواند هم به مسئله‌ای جهل داشته باشد هم علم. از طرف دیگر، فرد یا باید عالم به آن باشد یا جاهل، لذا علم همراه با جهل و جهل همراه با علم امکان ندارد و نمی‌توان گفت فرد شکاک دارای علم و جهل است، بنابراین فرد شکاک جاهل است.

وقتی که می‌گوییم جهل اعم از جهل صرف، وهم و شک و ظن است در این موارد منظور جهل بسیط است و نه جهل مرکب، بنابراین جهل بسیط عبارت است از فقدان علم نسبت به واقعیتی یا امری، به نحوی که فرد جاهل نیز واقف به جهل خود است. وقتی فردی نسبت به موضوعی علم ندارد و آگاه به فقدان علم خود نیز است در این خصوص هیچ تفاوتی در خصوص میزان احتمال وجود ندارد، مهم این است که او عالم است که نمی‌داند. به لحاظ حقوقی دلیلی وجود ندارد که فرد اشتباه‌کننده، الزاماً باید یقین کامل داشته باشد تا ادعای اشتباه او را بپذیریم، لذا جهل مرکب هم می‌تواند در پی احتمال بالا (ظن) حاصل آید؛ اما بی‌شک در پی احتمال ضعیف و حتی شک نمی‌توان به علم رسید. به‌طور کلی، اگرچه جهل و علم دو مفهوم متباین و متناقض هستند، اما برای یافتن مفهوم علم باید به مفهوم جهل توجه نمود. حال در بررسی دامنه علم و آگاهی با توجه به جهل بسیط، فرد هیچ‌گونه ادعایی در خصوص علم و آگاهی ندارد، برخلاف اشتباه که فرد مدعی علم است. در جهل بسیط، هم علم وجود دارد و هم جهل، در حالی که در جهل مرکب (اشتباه) هیچ علمی وجود ندارد. در جهل بسیط، احتمال و شک و ظن راه می‌یابد، در حالی که در اشتباه، تنها اعتقاد جازم و ظن معتبر پذیرفته می‌شود.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون مفهوم جهل، ر.ک؛ آخوندی، روح‌الله. ۱۳۹۱. مفهوم جهل، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره اول. و همچنین ر.ک؛ میرزائی، زهرا، خالقی، ابوالفتح، معیارهای پذیرش اشتباه در سیستم‌های کیفری ملی و دیوان کیفری بین‌المللی، فقه، حقوق و علوم جزا، بهار ۱۳۹۹، دوره ۵، شماره ۱۵.

۲-۱. مفهوم علم و ارتباط آن با ادراک

علم با ادراک به عنوان یکی از ارکان اهلیت جزایی، متفاوت است. ادراک به معنای قدرت و توانایی درک و تمییز ماهیت افعال و آثار و تبعات اخلاقی یا اجتماعی که بر آن‌ها بار می‌شود. این توانایی درک و تمییز به وضعیت ذهنی و عقلی شخص برمی‌گردد (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). بنابراین، ادراک، به عنوان یکی از ارکان اهلیت جزایی، ناظر به وضعیت ذهنی فرد، صرف‌نظر از تعیین مصداق است. اهلیت جزایی، مقدمه مسئولیت کیفری است، یعنی کسی می‌تواند مسئولیت کیفری داشته باشد که اهلیت جزایی دارد (پل ارتباطی بین مجرم و مجازات، مسئولیت کیفری است و پل ارتباطی بین جرم و مجرم، اهلیت جزایی است). بنابراین ادراک، مقدمه علم و آگاهی است، یعنی کسی می‌تواند علم و آگاهی داشته باشد که ادراک داشته باشد. رکن روانی از دو جزء الف. علم و آگاهی (داشتن یقین نسبت به اجزاء عنصر مادی جرم و به طور کلی عالم بودن نسبت به اجزاء رکن مادی اعم از رفتار مادی فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال لازم و نتیجه حاصله).

به عبارت دیگر، علم و آگاهی در حقوق کیفری به عنوان یکی از اجزاء سازنده رکن روانی، به معنای اطلاع و شناخت مرتکب از حکم و موضوع یک رفتار ناقض قوانین کیفری است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۶: ۲۹۵)؛ ب. اراده و قصد (تمایل باطنی برای ارتکاب عملیات اجرایی جرم و آشکار نمودن آن از حالت بالقوه به حالت بالفعل) وجود یکی از این دو به منزله وجود دیگری نیست و هریک وجود مستقل از دیگری دارند. اما آنچه حائز اهمیت است اینکه ادراک و علم و قصد هر سه در طول یکدیگر قرار دارند. یعنی صفت عالم، منتسب به کسی است که ادراک (در حد، درک ماهیت رفتار ارتكابی و درک آثار طبیعی رفتار ارتكابی) داشته باشد. از طرفی دیگر، اراده و قصدی، موجب تحقق مسئولیت کیفری می‌گردد که از منشأ علم و آگاهی باشد. به عنوان مثال در حقوق کیفری ایران با توجه به مواد ۱۴۴^۱ و ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۲ در خصوص قتل عمدی، اگر رکن روانی را بخواهیم بررسی نماییم، باید در سه

۱. ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲- در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. درجرائمی که وقوع آنها براساس قانون منو به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

۲. ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲- جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ب) هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولیاًگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود. پ) هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاریا هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن درخصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایتاً نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

مرحله این امر مورد بررسی قرار گیرد.

مرحله اول، بررسی ارکان اهلیت جزایی (بلوغ و ادراک و اختیار)^۱. مرحله دوم، علم و آگاهی (علم به اوصاف، عناصر و شرایط و کیفیات عنصر مادی جرم که توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده است)؛ مرحله سوم، بررسی قصد (که شامل عمد در ارتکاب فعل و عمد در واقع شدن فعل بر قربانی معین که اصطلاحاً این دو تحت عنوان سوءنیت عام مورد بررسی قرار می‌گیرند و متعاقب این دو باید قصد رسیدن به نتیجه را مورد بررسی قرار گیرد). مطلب بسیار مهم این است که اراده تنها به اصل رفتار و عمل ارتكابی تعلق دارد و شامل موضوع و نتیجه نیست و آنچه موضوع و نتیجه جرم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، عنصر علم مرتکب است. شایان ذکر است، ارزیابی اجزا رکن مادی، رفتار مادی فیزیکی را با توجه به عنصر اراده و شرایط و اوضاع احوال خاص از قبیل موضوع جرم، کیفیت ارتکاب جرم را با توجه به عنصر علم و آگاهی و نتیجه حاصله با هر دو عنصر اراده و علم ارزیابی می‌گردند.

۳-۱. مفهوم علم با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در سیستم حقوق کیفری ایران، موضوع علم مرتکب هیچ‌گاه در قانون به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته بود و برای اولین بار، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۱۴۴ و در ذیل رکن روانی جرائم عمدی، به علم مرتکب برای تحقق جرائم و توجه مسئولیت کیفری نسبت به مرتکبین اشاره نموده است.

با توجه به ماده ۱۴۴ ق.م.ا، علم در کنار قصد به عنوان اجزاء رکن روانی جرائم عمدی محسوب می‌گردند، اما این امر به عنوان یک قاعده پیش فرض برای همه جرائم عمدی پیش‌بینی شده است. در واقع علم از لوازم عمد است و علی‌الاصول جاهل نمی‌تواند عامد باشد (قیاسی، اکرمی، ۱۳۹۳: ۱۱۱). با توجه به شیوه نگارش ماده مذکور، علم در دو جایگاه مختلف، علم نسبت به موضوع و علم نسبت به حصول نتیجه در جرائم مقید، مورد استفاده قرار گرفته است. با دقت نظر به قسمت اخیر ماده مذکور، قانون‌گذار علم به حصول نتیجه را جایگزین، قصد قرار داده است. در واقع عنصر شناختی (علم و آگاهی)، نسبت به رفتار ارتكابی منجر به نتایج غیرقانونی، اگرچه مقصود او نیست، جایگزین عنصر ارادی، قصد می‌گردد. به عبارت دیگر، مجرم با انجام رفتار مجرمانه، با وصف آگاهی به نتایج غیرقانونی، در واقع نشان‌دهنده، تمایل به پذیرش آن نتایج است. اتخاذ این موضع تا زمانی که مجرم، فرض می‌کند که نتایج غیرقانونی رخ خواهد داد، امکان‌پذیر و قابل تصور است.

در این رابطه، دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۳۹۹۰۰۰۲۲۲۹۵۸ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۷ - شعبه ۱۰۳ دادگاه

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون، ارکان اهلیت جزایی، ر.ک؛ میر سعیدی، سید منصور. (۱۳۹۰). قلمرو و ارکان مسئولیت کیفری، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.

کیفری دو شهرستان ایلام، در مقام تحلیل رکن روانی و جایگاه علم در سطوح مختلف قصد، به شرح ذیل، شایان نقل مفصل است:

«... در خصوص اتهام متهم آقای، فرزند، اهل و ساکن شهرستان ایلام، متأهل، مسلمان- شیعه مذهب و باسواد، بازداشت از تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ تاکنون به علت عجز از تودیع وثیقه موضوع قرار تأمین کیفری، دایر بر مباشرت در آتش سوزی منزل مسکونی خانم (مادر متهم) به ارزش تقریبی هفت صد میلیون ریال خسارت به منزل، بدین توضیح که نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ و در شهرستان ایلام، با ریختن مایع اشتعالزا (نفت) بر روی تشک اتاق محل استراحت خود و در داخل منزل شاکی، اقدام به آتش زدن منزل شاکی نموده و باعث از بین رفتن وسایل منزل شاکی گردیده است. علی هذا دادگاه با توجه به کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ایلام و ادله موجود در آن (صفحه ۳۴ پرونده)، گزارش اولیه مرجع انتظامی و تحقیقات محلی صورت گرفته، پیرامون صحت آتش سوزی توسط متهم (صفحه ۱ و ۵ پرونده)، نظریه کارشناس سازمان آتش نشانی مبنی بر اینکه، آتش سوزی منزل در اثر مایع اشتعالزا (نفت) و به صورت عمدی ایجاد شده است (صفحه ۱۷ پرونده) اظهارات مطلع پیرامون چگونگی آتش سوزی توسط متهم (صفحه ۲۷ پرونده)، اقرار صریح و روشن متهم مبنی بر پذیرش اتهام آتش سوزی، با این وصف که قصد آتش زدن تشک خود را داشته و عملیات آتش سوزی را داخل منزل شاکی انجام داده است، اما قصد آتش زدن منزل شاکی را نداشته است. علی ای حال دادگاه با دقت نظر به اظهارات متهم، پیرامون اینکه «قصد آتش زدن تشک شخصی خود را داشته، اما قصد آتش سوزی منزل شاکی را نداشته است، با این وصف که اقدام به آتش سوزی را داخل اتاق محل استقرار خود شروع نموده است»، در این رابطه با توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می دارد: «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد.

در جرائمی که وقوع آن‌ها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.» درواقع اجزاء تشکیل دهنده رکن روانی لازم برای تحقق جرائم عمدی، به صورت یک قاعده پیش فرض، شامل «علم و قصد» است و با دقت نظر به قسمت اخیر ماده مذکور دامنه علم را در مواردی به عنوان، پوشش دهنده اراده و قصد، گسترش داده است (با توجه به عبارت «یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.») (در تبیین ماده مذکور می توان گفت: «سطوح مختلف قصد، با توجه به عبارت اخیر، بدین شرح است؛ مطابق قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، در جرائم مقید به نتیجه، شخص در صورتی نسبت به نتیجه مجرمانه قاصد فرض می شود که ۱. بخواهد آن نتیجه را به بار آورد یا ۲. علم و آگاهی داشته باشد که نتیجه مذکور در مسیر عادی وقایع و عملیات مادی رخ می دهد.» بنابراین ماده مذکور در رابطه با عنصر نتیجه، دو درجه متفاوت از قصد را اختصاص داده است، یعنی قصد مستقیم یا

سوءنیت مستقیم درجه اول و قصد غیر مستقیم یا سوءنیت مستقیم درجه دوم.

الف. قصد مستقیم درجه اول، با وصف قصد صریح برای رسیدن به نتیجه: اولین درجه از قصد (قصد مستقیم/ سوءنیت مستقیم درجه اول) حاکی از حالت ذهنی شخصی است که نه تنها وقوع نتیجه را پیش‌بینی می‌کند، بلکه آن را اراده می‌نماید و درواقع، این معنی واقعی قصد است که این قصد به صورت، اراده هدف محور است. در این نوع از قصد اراده فاعل برای نیل به آن نتیجه جهت یافته است. به عبارت دیگر در قصد مستقیم، درجه اول، مرتکب می‌داند که افعال یا ترک افعالش، عناصر مادی جرم موردنظر را محقق می‌کند و او این افعال یا ترک افعال را با قصد واقعی برای به بار آوردن عناصر مادی جرم، انجام می‌دهد. شایان ذکر است که قصد مستقیم پیش‌بینی شده در قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مذکور، با قصد اضافی مورد نیاز در برخی جرائم خاص مانند جرائم علیه امنیت (فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی- تعزیرات ۱۳۷۵ تحت عنوان جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور) یکسان نیست. در تعریف جرائم با قصد اضافی، عباراتی از قبیل به قصد، به قصد براندازی و با قصد برهم زدن امنیت ملی، کشور و... که در این موارد قصد خاص یا سوءنیت خاص مورد نیاز این دسته از جرائم، (به عنوان قصد اضافی) یک مرحله فراتر از سوءنیت مستقیم درجه اول است و درواقع قصد اضافی شرط تحقق آن جرائم است، این سوءنیت اضافی، غالباً از طریق علم واقعی احراز می‌گردد؛

ب. سوءنیت مستقیم درجه دوم - قصد در رابطه با نتیجه: قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، در جرائم مقید به نتیجه، در رابطه با عنصر نتیجه، جایگزین دومی برای قصد پیش‌بینی می‌کند. بدین ترتیب که مقرر می‌دارد، حتی اگر مجرم قصد وقوع نتیجه غیرقانونی را نداشته باشد، اما در صورتی که آگاه باشد که نتیجه مذکور در روال عادی وقایع رخ خواهد داد، فرض می‌شود که قصد نتیجه را داشته است. با توجه به عبارت: «در جرائمی که وقوع آن‌ها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود»، درواقع این نوع از سوءنیت در موقعیت‌هایی مطرح می‌شود که مرتکب، بدون داشتن قصد واقعی برای به بار آوردن عناصر مادی جرم موردنظر، از این امر آگاه است که عناصر مذکور، نتیجه ضروری افعال یا ترک افعالش خواهد بود. علی‌ای حال اظهارات متهم، مبنی بر اینکه «قصد آتش زدن تشک شخصی خود را داشته، اما قصد آتش سوزی منزل شاکی را نداشته است، با این وصف که اقدام به آتش سوزی را داخل اتاق محل استقرار خود شروع نموده است.» درواقع این اظهارات بیان‌کننده قصد مستقیم درجه دوم است؛ زیرا آتش سوزی داخل یک ساختمان واحد صورت گرفته، با این وصف که آتش سوزی از داخل اتاق محل استقرار متهم شروع شده است و این امر مشمول قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی است.

به عبارت دیگر قسمت اخیر ماده مذکور، عنصر شناختی علم و آگاهی را در برخی موارد جایگزین عنصر اختیاری و قصد نموده است، درواقع، در مواردی که علم و آگاهی نسبت به نتایج طبیعی رفتار

مجرمانه به صورت یقینی وجود دارد، اگرچه هدف اصلی مرتکب، ارتکاب جرم دیگری باشد، اما نتیجه مجرمانه‌ای که در دل هدف اصلی قرار داد، با این وصف که مرتکب هیچ اراده‌ای نسبت به آن ندارد، در این حالت علم و آگاهی پوشش دهنده عنصر اراده و قصد است و نتیجتاً جرم ارتكابی، علی‌رغم عدم وجود عنصر اراده، عمدی محسوب می‌شود. درواقع در سوءنیت مستقیم درجه دوم، تمرکز اصلی بر روی عنصر شناختی (علم و آگاهی)، با وصف گسترش دامنه آگاهی بر عنصر نتیجه است. در این رابطه اگرچه مرتکب تمایل مثبت و یا اراده‌ای بر تحقق نتیجه مجرمانه ثانویه ندارد، اما آگاه است که نتیجه مجرمانه‌ای رخ خواهد داد و می‌تواند از وقوع آن جلوگیری نماید، ولی به عملیات اجرایی خود ادامه می‌دهد. از طرفی نیز عملیات اجرایی مرتکب، وقوع نتیجه حتمی و یقینی را به دنبال دارد که وصف سوءنیت مستقیم را به خود گرفته است و موضوع وقوع نتیجه احتمالی یک سطح پائین تر از سوءنیت مستقیم درجه دوم و در باب احتمالات قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است که سطوح مختلف قصد در طول همدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر، ترتیب سطوح قصد شامل سوءنیت مستقیم درجه یک (با وصف حاکم بودن اراده هدفمند جهت حصول نتیجه)، سوءنیت مستقیم درجه دو (با وصف علم و آگاهی به وقوع نتیجه حتمی و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه)، سوءنیت احتمالی (با وصف علم و آگاهی به وقوع نتیجه احتمالی و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه)، بی‌احتیاطی (با وصف پذیرش ریسک‌های غیر قابل توجه به صورت عالمانه است و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه) است و هرچه از سمت بالا به پائین سطوح مختلف توجه شود، درواقع عنصر ارادی بسیار ضعیف می‌شود و برعکس دامنه عنصر شناختی (علم و آگاهی) بسیار گسترده‌تر می‌گردد. علی‌هذا، با توجه به تحلیل ماهوی صورت گرفته و با دقت نظر به ادله استنادی، دادگاه وقوع بزه آتش‌سوزی در محل مسکونی و توجه آن به متهم را محرز و مسلم تشخیص می‌دهد. شایان ذکر است، تبصره ۱ ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ۱۳۷۵ که اشعار می‌دارد: «اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت»^۴ قصد ذکر شده در ماده مذکور، قصد اضافی محسوب و یک مرحله بالاتر از سطوح قصد مستقیم درجه اول و دوم است.»

با توجه به رأی صادره، علم در ماده ۱۴۴ ق.م.ا، در دو جایگاه مختلف به کار برده شده است. الف. علم مرتکب نسبت به موضوع جرم، (علم در جایگاه واقعی خود و به عنوان یکی از اجزاء رکن روانی)؛ ب. علم به وقوع نتیجه در جرائم مقید به نتیجه، با وصف عدم قصد مستقیم آن نتیجه، توسط مرتکب (علم در جایگاه عنصر ارادی و به عنوان جایگزین قصد)، قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، علم جایگزین قصد یا قصد غیر مستقیم، تنها در قتل عمد و در بندهای (ب) و (ج) ماده ۲۰۶ مجازات قانون اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده بود، اما سیاست کیفری قانون‌گذار در قانون جدید با پیش‌بینی ماده ۱۴۴

نه تنها تمام جرائم مقید را مشمول این قاعده کرد، بلکه به صراحت و با به کار بردن واژگانی مانند «بداند، آگاه باشد، علم داشته باشد» به این امر اشاره و شخصی را که دارای قصد مستقیم برای نتیجه نبوده، اما به علت علم یا آگاهی داشتن، مرتکب جرمی گردیده، براساس مقررات جرائم عمدی با وی برخورد نموده است. بر این اساس تعیین معیار قصد غیر مستقیم یا به تعبیر ماده ۱۴۴ قانون اسلامی، علم به وقوع نتیجه، مسئله‌ای اساسی است، زیرا براساس این معیار جرائم عمدی و غیر عمدی قابل احراز است. در مواردی که قانون‌گذار از واژه «بداند» استفاده نموده و منظور آن قصد غیر مستقیم یا همان قصد مستقیم درجه دوم بوده است، از قبیل تبصره یک ماده ۴۹۶^۱ که اشعار می‌دارد: تبصره ۱- در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست، بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.»

همچنین در ماده ۵۲۱^۲ و تبصره ماده ۵۲۳^۳ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در این مواد قانون‌گذار با به کار بردن واژه بداند به قصد غیر مستقیم به عنوان یکی از جایگزین‌های قصد و به تبع آن عمدی محسوب نمودن جرم ارتكابی اشاره نموده است. در برخی موارد نیز قانون‌گذار از واژه «علم» استفاده نموده، با توجه به ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی، در مورد جنایات ارتكابی در حالت خواب و بیهوشی بیان شده است: «هر کس در حال خواب، بیهوشی و موارد مشابه، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، مجازات نخواهد شد، مگر اینکه فرد با علم به اینکه در حالت خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد یا خود را بیهوش کند.» همچنین، در ماده ۱۵۴ همین قانون، در خصوص مستی و بی‌ارادگی مقرر شده است: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آن‌ها، مانع مجازات نیست، مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتكاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد

۱. ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

۲. ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضامن ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است.

۳. ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن‌دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن‌دهنده نسبت به آسیب رسانی آن، علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره- در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه وارد شونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن‌دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضامن منتفی است.

به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.»

علاوه بر این دو واژه «علم و بداند» قانون‌گذار در برخی موارد نیز از واژه «مرتکب آگاه باشد» استفاده نموده است، به عنوان مثال در بندهای «ب و پ» ماده ۲۹۰ و در مقام احصاء مصادیق جنایات عمدی مقرر داشته که «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ب. هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود؛ پ. هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود، لکن درخصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.»

بنابراین با توجه به موارد یاد شده فوق، واژگانی مانند علم، بداند و آگاه باشد در راستای، معیار قصد غیرمستقیم یا همان علم به وقوع نتیجه، در حقوق کیفری ایران پیش‌بینی شده است.^۱ علم به وقوع نتیجه با

۱. نمونه دادنامه صادره در رویه قضایی پیرامون سطوح مختلف قصد در حقوق کیفری ایران و جایگاه علم به عنوان عنصر شناختی در این سطوح، براساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (دادنامه شماره ۱۳۷۹۰۰۴۲۹۰۸۴۹۷۰۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۷ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان ایلام) رأی دادگاه درخصوص اتهامات آقای فرزند با وکالت آقای متولد ۱۳۵۵، فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری، شغل پزشک، آزاد با قرار تأمین کیفری قبولی وثیقه، اهل و ساکن شهرستان ایلام، ایرانی، متأهل، مسلمان - شیعه مذهب، با سواد، دایر بر ۱- ساخت و نگهداری بمب دست ساز، تخریب (اموال عمومی)، ترانس برق متعلق به شرکت برق استان ایلام به میزان چهل و یک میلیون و چهارصد و هفتاد هزار ریال ۲- ایراد صدمه بدنی عمدی به بزه دیده آقای ۳- تخریب اموالی از آقای به ارزش سی و پنج میلیون ریال ۴- تخریب ماشین متعلق به آقای و به ارزش دویست میلیون ریال ۵- تخریب اموالی از آقای به ارزش بیست و دو میلیون ریال ۶- تخریب خودرو آقای به ارزش بیست و دو میلیون ریال ۷- تخریب اموالی از آقای به ارزش هفت میلیون و پانصد هزار ریال ۸- تخریب اموالی از آقای به ارزش شش میلیون و پانصد هزار ریال، بدین شرح که: که در تاریخ ۱۴/۵/۹۷ و در شهرستان ایلام نامبرده و با انگیزه ترساندن دو نفر از همکاران پزشک خود اقدام به ساخت بمب دست ساز شیمیایی و انفجار آن در محل مسکونی نموده که سبب ایراد صدمه بدنی و تخریب اموال شده است. لهدا دادگاه با توجه به کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ایلام و ادله موجود در آن (ص ۱۴۰) پرونده، گزارش اولیه مرجع انتظامی مبنی بر صحت موضوع انفجار بمب و تخریب اموال عمومی و اموال اشخاص و ایراد صدمه بدنی (ص ۱۱ و ۱۲ و ۱۳)، تصاویر مربوط به تخریب ناشی از انفجار بمب (ص ۱۸ الی ۲۲)، تحقیقات پلیس امنیت مبنی بر صحت انفجار بمب (ص ۲۵)، نظریات پزشکی قانونی در خصوص ایراد صدمه ناشی از انفجار بمب (ص ۲۸ و ۳۳)، تحقیقات اداره اطلاعات در خصوص متهم مبنی بر اقرار متهم به بمب گذاری و چگونگی ساخت بمب و مواد مؤثر جهت

ساخت آن که بصورت کامل و دقیق ذکر گردیده است و این اظهارات بعد از نظریه اولیه کارشناسی بوده و چون کارشناس مربوط دسترسی به اطلاعات و چگونگی ساخت نداشته اظهار نظر منفی نموده که تاثیری در ماهیت امر ندارد چرا که خود متهم به مواد سازنده آن و چگونگی ساخت آن اقرار نموده است (ص ۴۵ الی ۵۱ پرونده)، اقرار متهم در مرحله دادرسی مبنی بر پذیرش اتهام ساخت و انفجار بمب دست ساز و ذکر علت و انگیزه آن که شخصی بوده است. (ص ۶۴ الی ۶۸ پرونده)، تصاویر مربوط به تخریب اموال شکات در اثر انفجار بمب دست ساز (ص ۱۰۱ الی ۱۱۰) و با توجه به نظریه کارشناس اداره تشخیص هویت ناجا بمب ساخته شده از مواد منفجره شیمیایی می‌باشد. (بند ۱ نظریه مواد منفجره ذکر شده و بند ۴ نظریه مواد شیمیایی) لذا با عنایت به چگونگی انجام عملیات اجرایی و ادله موجود، سطوح مختلف قصد شامل الف) قصد در رابطه با رفتار، یعنی وجود علم و آگاهی نسبت به موضوع انفجار بمب و آثار تخریبی آن، به انضمام وجود اراده در انجام فعل که همان خواستن رفتار ارادی می‌باشد. ب) قصد رابطه با نتیجه- اولین جایگزین قصد که آن را قصد مستقیم نیز می‌توان ذکر نموده و علم واقعی مرتکب بر آن حاکم است) و آن عبارت است از اینکه شخص متهم نه تنها وقوع نتیجه را بصورت تخریب ترانس برق، شرکت برق استان ایلام پیش‌بینی نموده است بلکه حصول این نتیجه را نیز اراده نموده است. ج) قصد در رابطه با نتیجه- دومین جایگزین قصد (سوء نیت مستقیم درجه دوم)، که آن عبارت است از اینکه متهم قصد وقوع نتیجه غیر قانونی را نداشته باشد، اما علم و آگاهی داشته که نتایج مجرمانه که همان ایراد صدمه بدنی و تخریب اموال اشخاص می‌باشد، در مسیر طبیعی وقایع رخ خواهد داد (انفجار) یعنی متهم می‌دانسته و آگاه بوده که عمل مجرمانه تخریب اموال و ایراد صدمه بدنی، نتیجه ضروری افعال یا ترک افعال او خواهد بود ضمن اینکه متهم تحصیلات عالیه داشته نسبت به علم شیمی در سطح عالی علم و آگاهی داشته است کما اینکه در اوراق بازجویی خود فرمول ساخت بمب شیمیایی و آثار آن را کاملاً تشریح نموده و از این حیث پیش‌بینی نتایج مجرمانه حاصل از تخریب بمب، بصورت قطعی و حتمی بوده است از این رو توجه به اتهامات ساخت و نگهداری بمب شیمیایی دست ساز، تخریب اموال عمومی، تخریب اموال اشخاص و ایراد صدمه بدنی نسبت به متهم مجرز و مسلم می‌باشد و از حیث مقررات تعدد جرم، نظر به اینکه فعل ساختن جدا از فعل نگهداری صورت گرفته لذا این دو فعل مرتکب مشمول مقررات تعدد مادی جرم می‌باشد و از طرفی نیز اعمال مجرمانه متعدد تخریب اموال عمومی و ایراد صدمه بدنی عمدی و تخریب اموال اشخاص، مشمول تبصره ۱ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشند که اشعار می‌دارد در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود مقررات تعدد مادی جرم اعمال می‌شود. البته تبصره مذکور موضوع تفاسیر مختلف قرار گرفته اما آنچنان از مفاد این تبصره با توجه به اصول کلی حقوق جزا قابل استنباط می‌باشد این است که نتایج مجرمانه متعدد باید ماهیت متفاوت داشته باشد یعنی نتایج مجرمانه متعدد باید ماهیت متفاوت داشته باشد یعنی اگر نتایج رفتار مجرمانه همگی یکسان باشد به عنوان مثال در اثر یک تصادف چند نفر فوت یا مجروح و مصدوم شوند در این حالت چون ماهیت همه اعمال مجرمانه، نتایج مجرمانه جنایت علیه شخصیت جسمانی اشخاص می‌باشد مقررات تعدد جاری نیست اما اگر ماهیت نتایج مجرمانه حاصله متفاوت باشد به عنوان مثال برخی نتایج علیه اشخاص و برخی علیه اموال یا امنیت و آسایش عمومی باشند در این حالت، مشمول مقررات تعدد مادی جرم محسوب می‌شود و در پرونده مذکور هفت نتیجه مجرمانه حاصل شده که شش مورد آن تخریب اموال اشخاص و عمومی (ماهیت یکسان) و یک مورد آن ایراد صدمه بدنی عمدی (جنایت علیه شخصیت جسمانی) که مشمول مقررات تبصره مذکور و تعدد مادی جرم می‌باشند. لذا دادگاه با استناد به مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۷ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ و مواد ۱۹ و ۱۳۴ و تبصره ۱ ذیل آن و ۱۴۴ و مواد ۴۴۸، ۴۴۲، ۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۴ و ۷۰۹ و ۷۱۰ از قانون مجازات اسلامی - ۱۳۹۲ و مواد ۶۷۷ و ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، بابت اتهام ساخت مواد منفجره شیمیایی با

توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در واقع دومین جایگزین قصد محسوب می‌شود و یک حالت استثنای است و نمی‌توان دامنه آن را بر همه جرائم گسترش داد، از این رو موارد منطبق بر آن تنها باید از سوی قانون‌گذار تصریح شده باشد، لذا در محدودترین تفسیر پیش‌بینی علم به عنوان جایگزین قصد باید در قانون تصریح شده باشد و در دیگر بزه‌ها که قانون پیش‌بینی نکرده است، نباید از این معیار استفاده نمود، در این راستا برخی حقوق‌دانان برای مفاهیم مشابه اظهار داشته‌اند: «نمی‌توان جز در موارد منصوص عمد احتمالی را در ردیف عمد قطعی قرار داد. در موارد غیر منصوص باید آن را در ردیف خطای کیفری محسوب نمود.» (محسنی، ۱۳۷۵: ۲۴۴). حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مفهوم قصد غیر مستقیم به اعتبار مصداق در حقوق ایران بیان شده است یا به اعتبار معیار؟ این رابطه باید گفت که علم غالباً به اعتبار معیار آمده است، ولی یک قاعده آن «علم به اعتبار معیار» همواره می‌تواند مصداق‌های تأکیدی یا در برخی موارد مصداق‌های استثنایی داشته باشد.^۱

۲. مفهوم علم در اساسنامه و رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی

برای تحقق جنایات عمدی نیاز به احراز اجزا رکن معنوی است، زیرا جنایت عمدی بدون وجود رکن روانی (سوءنیت) محقق نمی‌شود و مرتکب آن مستوجب کیفر نیست (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۷۹). علم و آگاهی به عنوان یکی از اجزا رکن روانی، عبارت است از یقین و دانستن نسبت به ابعاد مختلف یک

توجه به همکاری متهم با مأمورین امنیتی و انتظامی برای کشف جرم، نظر به مفاد ماده ۱۷ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ که در این مورد بصورت خاص مقررات تخفیف را پیش‌بینی نموده و اعمال تخفیف در این مورد بر اساس آن مقرر الزامی است و شامل مقررات عام تخفیف ذکر شده در مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و یا مقررات اعمال تخفیف در موارد تعدد جرم ذکر شده در تبصره ۳ ذیل ماده ۱۳۴ قانون اخیرالذکر نمی‌باشد از این رو نامبرده با یک درجه تخفیف به تحمل چهار سال حبس تعزیری و بابت اتهام نگهداری بمب دست ساز شیمیایی به تحمل یک سال حبس تعزیری و بابت اتهام تخریب در اموال (تخریب اموال اشخاص و ترانس برق شرکت برق استان ایلام) با اعمال تخفیف در موارد تعدد مادی جرم به تحمل شش سال و شش ماه حبس تعزیری و بابت اتهام ایراد صدمه بدنی عمدی به پرداخت ۱- آرش به میزان سه درصد دیه کامل بابت اختلال اضطرابی که به صورت مطلوب التیام یافته در حق بزه دیده محکوم و اعلام می‌گردد. و در مقام اعمال و اجرا علاوه بر پرداخت دیه که حق الناس است و در هر حال باید پرداخت گردد تنها مجازات اشد (شش سال و شش ماه حبس تعزیری بابت اتهام تخریب ناشی از انفجار بمب دست‌ساز) قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یا تبدیل یا غیر قابل اجرا شود مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد. رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه محترم تجدید نظر استان ایلام می‌باشد. دادرش شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو ایلام- دکتر عارف رشنودی

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون علم به وقوع نتیجه، ر، ک؛ یکرنگی، محمد و عالیپور، حسن. ۱۳۹۴. معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه، دو فصلنامه حقوق، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۲ و ۳.

موضوع و گستره علم، شامل اجزاء تشکیل دهنده رکن مادی جرم، اعم از اعمال مثبت و منفی ارتكابی، علم نسبت به رکن نتیجه و همچنین علم و آگاهی نسبت به اوضاع و احوال خاص و لازم برای تحقق جرائم است. از طرفی نیز طریق حصول این علم، از حیث اینکه به صورت مستقیم و یا آنکه به صورت غیرمستقیم و ناشی از اوضاع و احوال بوده، متفاوت است.

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، نیز به این موضوع توجه اساسی صورت گرفته است و در این راستا بند ۳ ماده ۳۰ دو تعریف مختلف از علم ارائه می‌دهد. تعریف اول، علم و آگاهی نسبت به نتایج جرم، اعمال می‌شود، حال آنکه، تعریف دوم، در راستای دامنه علم مربوط به اوضاع و احوال موجود است. تمایز و مرز بین فعل عمدی و فعل عالمانه در اساسنامه دیوان، بسیار ظریف است. عنصر مشترک در هر دو مفهوم، آگاهی از این مسئله است که نتیجه مجرمانه‌ای در مسیر طبیعی امور رخ خواهد داد. به عبارت دیگر، زمانی می‌توانیم بگوییم که نتیجه مجرمانه آگاهانه ایجاد شده است که فاعل آگاه باشد که در روال طبیعی امور، نتیجه مجرمانه‌ای به وقوع خواهد پیوست و شخص در زمینه اوضاع و احوال موجود در صورتی می‌توان گفت، آگاهانه عمل کرده است که از وجود اوضاع و احوال خاص آگاه و نسبت به آن علم داشته باشد. از این رو ابعاد مختلف علم با توجه به اوضاع و احوال خاص و لازم برای ارتكاب جرم و همچنین دامنه علم به وقوع نتیجه در ذیل بررسی می‌گردد.

۱-۲. علم مرتکب در رابطه با رفتار

مطابق قسمت الف بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه دیوان، مرتکب در صورتی در رابطه با رفتار، قاصد فرض می‌شود که بخواهد آن رفتار را انجام دهد. این تعریف واجد چند جنبه است. رابطه بین قصد و رفتار آن گونه که در قسمت الف بند ۲ ماده ۳۰ آمده است، نسبت به آنچه حقوق دانان کامن‌لا در مورد بخش ارادی فعل، فکر می‌کنند، نزدیک‌تر است. با این حال رفتار بایستی نتیجه فعل ارادی مجرم باشد. هرچند برخی حقوق دانان، اعتقاد دارند که علم را نمی‌توان ارتباط با رفتار تعریف کرد و این مسئله ممکن است در آینده منجر به چالش شود. به عبارت دیگر باید مرتکب در انجام رفتار، اراده داشته باشد.

۲-۲. علم در ارتباط با عنصر اوضاع و احوال

بر اساس قاعده هیچ جرمی وجود ندارد که نهاد تعقیب را ملزم به اثبات این مسئله کند که متهم، به معنای واقعی، در زمان انجام رفتار مجرمانه‌اش قصد وجود اوضاع و احوال خاصی را داشته است. اگر متهم قصد وجود اوضاع و احوال خاصی داشته باشد، به این معنی است که او امیدوار است که آن اوضاع و احوال وجود داشته باشد یا به وجود بیاید. مطابق اساسنامه دیوان، مسئله علم به اوضاع و احوال در موقعیت‌هایی مختلف امکان دارد مطرح شود. علم می‌تواند به اوضاع و احوالی که بخشی از تعریف جرم را تشکیل می‌دهد، ارتباط داشته باشد، به عنوان مثال آگاهی نسبت به حمله گسترده یا سازمان یافته علیه هر جمعیت

غیرنظامی که در عنصر مادی ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است. همین نکته را می‌توان در مورد جرم تجاوز جنسی گفت که می‌توان آن را به‌عنوان جرمی علیه بشریت یا جنایت جنگی مجازات نمود، به‌طوری که عدم رضایت قربانی و آگاهی مرتکب از آن، عنصر سازنده جرم محسوب می‌شود.

طرز انشای ماده ۳۰ مشخص می‌کند که عبارت «آگاهانه» به حالت ذهنی فاعل اشاره دارد، نه به حالت ذهنی شخصی متعارف (حاکم بودن ضابطه شخصی، نه ضابطه نوعی). به‌علاوه بند ۳ ماده ۳۰ در تعریف علم به آگاهی مرتکب از وجود اوضاع و احوال خاص، مفهوم علم را به آگاهی واقعی در برابر آگاهی ضمنی محدود می‌کند. حتی آگاهی از احتمال زیاد وجود موضوعی خاص، معیار مسئولیت پیش‌بینی شده در ماده ۳۰ را برآورده نمی‌کند. دلایلی برای این پرسش وجود دارد که آیا نظریه چشم فرو بستن ارادی به واقعیت محرز می‌تواند حدنصاب رکن روانی بند ۳ ماده ۳۰ را برآورده کند یا خیر. اگر نظریه مزبور این‌گونه تفسیر کنیم که فقط نسبت به موقعیت‌هایی اعمال می‌شود که مرتکب در مورد وجود موضوع یقین عملی دارد، پاسخ پرسش بالا مثبت است، در این رابطه استاد گلانوئل ویلیامز^۱ اظهار کرد: «دادگاه فقط در جایی می‌تواند چشم فرو بستن ارادی را احراز کند که بتوان گفت متهم واقعاً از جرم آگاهی داشته است. متهم به موضوع مظنون بوده است، او به احتمال آن پی برده بود؛ ولی از کسب تأیید نهایی خودداری نموده، چون می‌خواسته سر فرصت توانایی انکار علم و آگاهی خود را داشته باشد. این امر، شرح مفهوم چشم فرو بستن ارادی است.» (Glanville Williams, 1987:159). بنابراین، هرگونه اقدام به توسعه مفهوم چشم فرو بستن عمدی، با پذیرش سطح پایین‌تری از آگاهی به‌جای آگاهی واقعی، باعث کمرنگ شدن تمایز بین چشم فرو بستن ارادی و بی‌احتیاطی می‌شود.

۳-۲. علم در رابطه با نتیجه

علم به وقوع نتیجه، به معنای آگاهی از نتیجه طبیعی یک رفتار است، نتایجی که به‌طور معمول از آن رفتار حاصل می‌شود، چه آن نتایج مورد خواست مرتکب باشد و چه نباشد. به عبارت دیگر، در برخی موارد نیازی به اثبات علم مرتکب به نتایج نیست، زیرا به‌طور معمول انتظار می‌رود که یک شخص متعارف بتواند نتایج حاصله یا مشابه آن را پیش‌بینی کند (خالقی، ۱۳۹۴: ۴۴). برای مثال نتیجه طبیعی بمباران یک شهر کشتار عامه مردم و تخریب منازل آن‌ها است، این نتیجه طبیعی براساس تجربه برای هر فرد حاصل شدنی است و در عموم مردم علم و آگاهی به این نتیجه وجود دارد.

براساس این ضابطه، علم به حصول نتیجه، یعنی آگاهی فرد به آنکه نتیجه در روند طبیعی به علت رفتار ارتكابی حاصل می‌شود. اما طریق احراز این علم بدین صورت است که با توجه به اوضاع و احوال

موجود، پاسخ به دو پرسش داده شود: اول، آثار و نتایج مجرمانه ایجاد شده، نتیجه طبیعی عمل متهم بوده است؛ دوم، آیا متهم پیش‌بینی کرده که آن نتیجه، نتیجه طبیعی عمل وی است. بنابراین احراز دو امر برای آنکه بتوان از علم به عنوان قصد غیرمستقیم بهره برد ضروری است. نخست، نتیجه حاصله پیامد طبیعی عمل متهم بوده است، بدین معنا که از نفس عمل به صورت معمول، این نتیجه در اثر این رفتار حادث می‌شود؛ دوم، پیش‌بینی متهم که آن نتیجه در روند طبیعی عمل وی روی خواهد داد (علم و آگاهی شخص مرتکب به نتیجه نفس عمل ارتكابی). در نهایت ضابطه نتیجه طبیعی، بدین صورت شکل یافت که اگر به طور معمول، احتمال آن باشد که نتیجه حاصل شود، هر چه احتمال وقوع نتیجه بیشتر باشد، احتمال اینکه آن نتیجه قصد شده باشد، نیز بیشتر خواهد بود و در نتیجه مرجع قضایی می‌تواند فرد را واجد قصد دانسته و جرم را عمدی بداند.

۴-۲. علم در رابطه با درجات مختلف رکن روانی

با توجه به مفهوم قصد که در ماده ۳۰ اساسنامه پیش‌بینی شده است، بسته به اینکه عنصر مادی، به رفتار مربوط می‌شود یا به نتیجه، دو معنای متفاوت دارد. شخص در رابطه با رفتار، در صورتی قاصد فرض می‌گردد که بخواهد آن رفتار را انجام دهد، حال آنکه در ارتباط با نتیجه شخص در صورتی قاصد فرض می‌شود که نسبت به نتیجه عمل، قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد، (قصد مستقیم درجه اول) خواستن یا قصد در نتیجه به صورت آگاهی نسبت به اینکه، نتیجه در مسیر طبیعی حوادث پیش خواهد آمد (قصد مستقیم درجه دوم)، از این رو در این قسمت از پژوهش، به بررسی سطوح مختلف قصد با توجه به ماده ۳۰ اساسنامه می‌پردازیم.

۱-۴-۲. علم در رابطه با سوءنیت مستقیم درجه اول

مطابق قسمت ب بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه دیوان، شخص در صورتی نسبت به نتیجه مجرمانه قاصد فرض می‌شود که ۱. بخواهد آن نتیجه را به بار آورد یا ۲. آگاه باشد که نتیجه مذکور در مسیر عادی وقایع رخ می‌دهد. بنابراین قسمت (ب) بند ۲ ماده ۳۰ در رابطه با عنصر نتیجه، دو درجه متفاوت از قصد را اختصاص داده است، یعنی قصد مستقیم یا سوءنیت مستقیم درجه اول و قصد غیرمستقیم یا سوءنیت مستقیم درجه دوم. این مسئله که آیا سوءنیت احتمالی یا تقصیر جزایی تحت شمول ماده ۳۰ قرار می‌گیرد یا خیر؟ این موضوع جای بحث زیادی دارد و به صورت جزئی در ذیل بررسی می‌شود.

این حالات ذهنی مجرمانه باید به طور ذهنی ارزیابی شوند نه عینی، به این معنا که نهاد تعقیب باید ثابت کند که خود مجرم و نه یک شخص متعارف در همان موقعیت از وقوع نتیجه مورد نظر آگاه بوده است. اولین درجه از قصد (قصد مستقیم/سوءنیت مستقیم درجه اول) حاکی از حالت ذهنی شخصی است که نه تنها وقوع نتیجه را پیش‌بینی می‌کند، بلکه آن را اراده می‌نماید. این معنی واقعی قصد در

قلمروهای کامن لا است. در سوءنیت مستقیم درجه اول، قصد به صورت، اراده هدف محور تعریف شده است. در این نوع از قصد اراده فاعل برای نیل به آن نتیجه جهت یافته است.

شعبه پیش دادرسی شماره ۱ دیوان در دعوی لوبانگا (Lubanga Decision, 2009: 350-351) که اولین بررسی ماده ۳۰ اساسنامه بود، ادعا نمود که ارجاع به قصد و علم به شیوه عاطفی، مستلزم وجود عنصر ارادی در جانب مظنون است (Lubanga Decision, 2009: 351). این عنصر ارادی به موقعیت‌هایی اشاره دارد که در آن مظنون: الف. علم و آگاهی دارد که افعال یا ترک افعالش، عناصر مادی جرم موردنظر را محقق می‌کند؛ و ب. او این افعال یا ترک افعال را با قصد واقعی برای به بار آوردن عناصر مادی جرم، انجام می‌دهد. طبق نظر شعبه پیش دادرسی شماره ۱ حالت فوق، مستلزم این است که مظنون واجد سطحی از قصد باشد که آن را سوءنیت مستقیم درجه اول نام نهاده است (Lubanga Decision, 2009: 351). شایان ذکر است که قصد مستقیم پیش‌بینی شده در قسمت (ب) بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه دیوان، با قصد خاص مورد نیاز در برخی جرائم که در تعریف آن‌ها عباراتی از قبیل به قصد، به قصد تاثیرگذاری و با قصد و... به کار رفته، یکسان نیست. در این موارد، قصد خاص یا سوءنیت خاص مورد نیاز این دسته از جرائم، یک مرحله فراتر از سوءنیت مستقیم درجه اول است و درواقع شرط تحقق این جرائم، سوءنیت اضافی است. که این سوءنیت خاص غالباً از طریق علم واقعی احراز می‌گردد.

۲-۴-۲. علم در رابطه با سوءنیت مستقیم درجه دوم

قسمت (ب) بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه دیوان، در رابطه با عنصر نتیجه، جایگزین دومی برای قصد پیش‌بینی می‌کند، بدین ترتیب مقرر می‌دارد که «حتی اگر مجرم قصد وقوع نتیجه غیرقانونی را نداشته باشد، اما در صورتی که آگاه باشد که نتیجه مذکور در روال عادی وقایع رخ خواهد داد فرض می‌شود که قصد نتیجه را داشته است.» درواقع در این قسمت عنصر شناختی توسعه پیدا نموده است. شعبه پیش دادرسی شماره ۱ در دعوی لوبانگا اظهار نمود که ماده ۳۰ دربردارنده جنبه‌های دیگر سوءنیت یعنی سوءنیت مستقیم درجه دوم نیز است (Lubanga Decision, 2009: 352). این نوع از سوءنیت در موقعیت‌هایی مطرح می‌شود که مظنون، بدون داشتن قصد واقعی به بار آوردن عناصر مادی جرم موردنظر، از این امر آگاه است که عناصر مذکور، نتیجه ضروری افعال یا ترک افعالش خواهد بود. و این شکل از سوءنیت در آراء دادگاه‌های ترکیبی و همچنین در صور جدید مسئولیت کیفری و در آراء دادگاه‌های موقت بسیار استفاده شده است.^۱ با این حال، این جایگزین دوم قصد، دارای چند جنبه مهم است.

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون، استناد به سوءنیت درجه دوم، در مسئولیت مبتنی بر فعالیت مجرمانه مشترک، ر.ک: رشنودی، عارف، اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷)، مسئولیت مبتنی بر فعالیت مجرمانه مشترک در حقوق بین‌الملل کیفری، آموزش‌های حقوق کیفری، پیاپی ۱۶، صص ۳-۳۸.

الف. این درجه از رکن روانی با علم یا آگاهی بیشتر شباهت دارد تا با قصد در معنای محدود و مضیق. این موضع را تعریفی که بند ۳ ماده ۳۰ از «علم» ارائه می‌نماید، تأیید می‌کند، در بند مذکور آمده است در این ماده، علم به معنی آگاهی از این مسئله است که نتیجه مجرمانه‌ای در روال طبیعی وقایع رخ خواهد داد. اساس تمایز ظریف بین فعل عمدی و فعل آگاهانه در رابطه با عنصر نتیجه، وجود یا فقدان تمایل مثبت یا هدف ایجاد آن نتیجه است. معنای صریح بند ۲ ماده ۳۰ این امر را مشخص می‌کند همین که دادستانی اثبات کند که متهم در هنگام انجام رفتار، از این مسئله آگاه بوده که نتیجه غیرقانونی واقع خواهد شد، فرض می‌شود که قصد آن نتیجه را داشته است، مگر آنکه اوضاع و احوال فوق‌العاده در مسئله دخیل باشد. بنابراین سربازی که قصد تخریب ساختمانی را دارد، با اینکه تمایلی به کشتن غیرنظامیانی که می‌داند در آن ساختمان هستند، ندارد. اگر ساختمان را نابود و غیرنظامیان کشته شوند، فرض می‌کنیم که او قصد کشتن غیرنظامیان را داشته است (قسمت i و a بند ۲ ماده ۸ اساسنامه).

ب. عبارت متهم آگاه باشد که نتیجه مذکور در روال عادی وقایع رخ خواهد داد، موضوع تفاسیر مختلف قرار گرفته است. آیا این عبارت مجرم را ملزم می‌کند که وقوع نتیجه را به‌طور حتمی پیش‌بینی کند؟ یا اینکه صرف آگاهی از وقوع احتمالی نتیجه کافی است؟ برخی حقوق‌دانان پیشنهاد نموده‌اند: «از آنجا که قسمت ب بند ۲ ماده ۳۰ صریحاً می‌گوید، رخ خواهد داد و نه ممکن است رخ دهد، اثبات این مسئله که مجرم از احتمال وقوع نتیجه آگاه بوده است و باز رفتاری را که منتج به نتیجه غیرقانونی می‌شود، انجام می‌دهد، کافی نیست، بلکه دادستانی باید ثابت کند که مجرم نتیجه رفتار خود را به‌طور قطعی پیش‌بینی کرده است، مگر آنکه شرایط فوق‌العاده در مسئله دخیل باشد» (Otto Triffterer, 2003: 639-727-706).

برخی دیگر از حقوق‌دانان با گسترش دامنه عنصر شناختی (علم و آگاهی) و صرف‌نظر از نتیجه احتمالی و یا قطعی، بین فعل عمدی و فعل آگاهانه با وصف آگاهی از نتیجه مجرمانه بدون تمایل مثبت به‌سوی آن هدف، برخورد یکسان داشته و آن دو را یکسان می‌دانند: «قانون باید درجایی که متهم از این امر آگاه است که در آینده نتیجه‌ای قطعی از رفتار ناشی می‌شود، ولی قصد یا تمایل وجود آن را ندارد، با مواردی که قصد غیرمستقیم، از رفتار با نتایج دوگانه ناشی می‌شود. به‌صورت یکسان باشد. به‌عنوان مثال دو نتیجه الف و ب وجود دارد و فاعل نتیجه (الف) را می‌خواهد و آماده پذیرش جفت ناخواسته آن یعنی (ب) است. درواقع قصد غیرمستقیم، نوعی آگاهی یا ادراک است» (Glanville Williams, 1987: 420).

شرح اندیشمندانه استاد اسر^۱ در مورد ماهیت و مفهوم عبارت متهم آگاه باشد که نتیجه مذکور در روال عادی حوادث رخ خواهد داد شایان توجه است: «ازجمله «روال عادی حوادث» هر معنی که افاده

شود، هدف از این عبارت با توجه به آگاهی از آن، شمول سوءنیت مستقیم درجه دوم بوده است که به نظر می‌رسد در آن مؤلفه شناختی قصد، درزمینه آگاهی یقینی مجرم از اینکه فعلش منجر به نتایج غیرقانونی می‌شود، اگرچه مطلوب او نیست، جایگزین عنصر ارادی قصد می‌شود، مانند مورد بمباران کردن یک ساختمان که اعضای یک گروه قومیتی تحت آزار و اذیت در آن سکنی گزیده‌اند که برخی از آن‌ها قطعاً کشته خواهند شد، همراه با نتیجه اضافی غیرقابل اجتناب نابودسازی بخش‌هایی از این گروه.

در این مثال، هرچند کار گذارنده بمب قصد کشتن کسی را نداشته باشد یا شخصاً مقاصد مافوق‌هایش را مبنی بر پاکسازی قومیتی تأیید نکند، اگر عمل نسل‌کشی را عمدی فرض کنیم، می‌توان با استدلال اسنادی و نیز استدلال مبتنی بر ادله این نتیجه را تأیید کرد. با توجه به نسبت دادن نتایج به مسبب نتایج، مهم نیست که او آیا مستقیماً آن‌ها را نشانه گرفته است یا اینکه در حین تعقیب یک هدف متفاوت، حاضر بوده نتیجه غیرقانونی به وقوع بپیوندد، یعنی از این کار برای رسیدن به هدف دیگری استفاده کرده است، مانند موردی که اولویت اول فرمانده نظامی نابود کردن ساختمان‌ها به دلایل راهبردی است، در حالی که با قطعیت می‌داند که نمی‌توان بدون کشتن ساکنان بی‌گناه به هدف مزبور دست یافت. می‌توان از دیدگاه ادله‌ای استدلال کرد که مجرم با انجام رفتار مجرمانه با وجود آگاهی به نتایج غیرقانونی، درواقع مایل به پذیرش آن نتایج بوده است. اتخاذ این موضع تا زمانی که مجرم، فرض می‌کند که نتایج غیرقانونی رخ خواهد داد، امکان‌پذیر است» (Eser, 2002: 914-15).

در این تفسیر، عنصر شناختی علم و آگاهی را در برخی موارد جایگزین عنصر اختیاری، اراده نموده است، درواقع ایشان اظهار می‌دارد، در مواردی که علم و آگاهی نسبت به نتایج طبیعی رفتار مجرمانه به‌صورت یقینی وجود دارد، اگرچه آن هدف اصلی مرتکب ارتکاب جرم دیگری باشد، اما نتیجه مجرمانه‌ای که در دل هدف اصلی قرار داد، اما مرتکب هیچ ارادی نسبت به آن ندارد، در این حالت علم و آگاهی پوشش‌دهنده عنصر اراده است و نتیجتاً جرم ارتكابی علی‌رغم عدم وجود عنصر اراده عمدی محسوب می‌شود. درواقع در سوءنیت مستقیم درجه دوم، تمرکز اصلی بر روی عنصر شناختی علم و آگاهی، با وصف گسترش دامنه آگاهی بر عنصر نتیجه است. و در این رابطه اگرچه مرتکب تمایل مثبت و یا اراده‌ای بر تحقق نتیجه مجرمانه ثانویه ندارد، اما آگاه است که نتیجه مجرمانه‌ای رخ خواهد داد و می‌تواند از وقوع آن جلوگیری نماید، اما به عملیات اجرایی خود ادامه می‌دهد.

۳-۴-۲. علم در رابطه با سوءنیت احتمالی یا مشروط

حکم دعوی بمبا درزمینه تأیید اتهامات که در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۱۲ و در حکم لوپانگا مورد تأیید قرار گرفت، اعلام شده که عبارت «در روال طبیعی وقایع رخ خواهد داد»، نسبت به آنچه در آراء و نظریات موجود در سیستم حقوقی کامن‌لا، تحت عنوان سوءنیت مستقیم درجه دوم یا مفهوم قصد غیرمستقیم شناخته شده است. درواقع معیار پایین‌تری ارائه نمی‌دهد. شعبه اول پیش دادرسی پرونده بمبا، در

تصمیم‌گیری به منظور حذف مفهوم سوءنیت مشروط از قلمرو ماده ۳۰ به شرح زیر استدلال نموده است: عبارت «نتیجه مجرمانه‌ای رخ خواهد داد» با تفسیر تحت‌اللفظی، به‌عنوان واقعه‌ای در نظر گرفته می‌شود که «قطع به یقین» مورد انتظار است. اگر عبارت «رخ خواهد» را همراه با عبارت «در روال عادی امور» تفسیر کنیم، به‌وضوح نشان می‌دهد که ضابطه وقوع مورد نیاز، نزدیک به یقین است. این معیار از آنچه برای تحقق سوءنیت مشروط مورد وفاق عام است، یعنی پیش‌بینی وقوع نتیجه غیرمطلوب به‌صورت امکان یا احتمال صرف، بالاتر است. اگر پیش‌نویسان اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، قصد گنجاندن مفهوم سوءنیت مشروط را در چارچوب ماده ۳۰ می‌داشتند، می‌توانستند به‌جای عبارات مفید، نزدیک به یقین یا یقین عملی، برای رساندن مفهوم احتمال یا امکان، از عباراتی چون «ممکن است» یا «احتمالاً» در روال طبیعی حوادث رخ دهد، استفاده کنند.» (Bemba Decision, 2012: 362-3).

برخی حقوق‌دانان با توجه به رأی صادره در دعوی بمبا و خصوصاً حذف سوءنیت مشروط از قلمرو ماده ۳۰، باب تفسیر را کمی باز گذاشتند و بدین ترتیب اظهارنظر نموده‌اند: «نباید این موضوع را نادیده گرفت که معیار «مورد وفاق عام» که مورد استناد شعبه قرار گرفته است، به‌هیچ‌وجه، تنها معیار موجود نیست. درواقع مفاهیم دیگری از سوءنیت مشروط وجود دارد که واجد صبغه شناختی بیشتری است (الزامی دانستن آگاهی یا قطعیت نسبت به نتیجه) و این مفاهیم را نیز می‌توان در ماده ۳۰ گنجاند.» (Kai. Ambos, 2009: 715-718). برخی بر این عقیده هستند که «ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جایی برای سوءنیت مشروط یا بی‌احتیاطی باقی نگذاشته است» گرچه این موضوع هنوز بسیار مورد مناقشه است (Gerhard, 2005: 112-113). با عنایت به این مراتب و نظرات مختلف می‌توان گفت که دلیل اصلی این تشکیک آراء این است که قصد و علم مقرر شده در بندهای ۲ و ۳ ماده ۳۰ اساسنامه مشخصاً «تحت تأثیر اصول کامن‌لا تفسیر شده‌اند. ولی به شیوه‌ای حداقلی (به مفهوم حداقلی اصول کامن‌لا اکتفا شده است) و بنابراین با وجود هم‌پوشانی در مفاهیم، ناسازگار هستند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش پیرامون این امر صورت گرفته که مفهوم علم مرتکب جرم، به‌عنوان یک جزء از رکن روانی موضوع ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۰ از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی روشن گردد. در این راستا به مفهوم علم در سه مرحله باید توجه نمود. مرحله اول، بررسی علم با توجه به ارکان اهلیت جزایی (بلوغ، ادراک و اراده) که بررسی آن نشان می‌دهد، ادراک، مقدمه لازم برای توجه مسئولیت کیفری نسبت به مرتکب است، درواقع انتساب وصف شخص عالم، نسبت به شخصی امکان‌پذیر است که ادراک و اهلیت جزایی داشته باشد. به عبارت دیگر، علم و ادراک در طول همدیگر قرار دارند و وجود یکی از آن دو به‌منزله وجود دیگری نیست؛ مرحله دوم، علم و آگاهی به‌عنوان عنصر شناختی و یکی از

اجزاء رکن روانی است (علم به اوصاف، عناصر و شرایط و کیفیات عنصر مادی جرم که توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده است)؛ مرحله سوم، بررسی علم به عنوان جایگزین قصد، در رابطه قلمرو علم، برخی موارد آن قدر دامنه علم گسترش می‌یابد که علم به عنوان عنصر شناختی، عنصر ارادی را پوشش می‌دهد. در واقع عنصر شناختی علم و آگاهی را در برخی موارد جایگزین عنصر ارادی می‌گردد. به عبارت دیگر، در مواردی که علم و آگاهی نسبت به نتایج طبیعی رفتار مجرمانه به صورت یقینی وجود دارد، اگرچه آن هدف اصلی مرتکب ارتکاب جرم دیگری باشد، اما نتیجه مجرمانه‌ای که در دل هدف اصلی قرار داد، اما مرتکب هیچ ارادی نسبت به آن ندارد، در این حالت علم و آگاهی پوشش دهنده عنصر اراده است و نتیجتاً جرم ارتكابی علی‌رغم عدم وجود عنصر اراده عمدی محسوب می‌شود. در واقع در سوءنیت مستقیم درجه دوم، تمرکز اصلی بر روی عنصر شناختی علم و آگاهی، با وصف گسترش دامنه آگاهی بر عنصر نتیجه است و در این رابطه اگرچه مرتکب تمایل مثبت و یا اراده‌ای بر تحقق نتیجه مجرمانه ثانویه ندارد، اما آگاه است که نتیجه مجرمانه‌ای رخ خواهد داد و می‌تواند از وقوع آن جلوگیری نماید، اما به عملیات اجرایی خود ادامه می‌دهد. از طرفی نیز عملیات اجرایی مرتکب، وقوع نتیجه حتمی و یقینی را به دنبال دارد که وصف سوءنیت مستقیم را به خود گرفته است و موضوع وقوع نتیجه احتمالی یک سطح پائین تر از سوءنیت مستقیم درجه دوم و در باب احتمالات قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است که سطوح مختلف قصد در طول همدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر ترتیب سطوح قصد، شامل سوءنیت مستقیم درجه یک (با وصف حاکم بودن اراده هدفمند جهت حصول نتیجه)، سوءنیت مستقیم درجه دو (با وصف علم و آگاهی به وقوع نتیجه حتمی و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه)، سوءنیت احتمالی (با وصف علم و آگاهی به وقوع نتیجه احتمالی و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه)، بی‌احتیاطی (با وصف پذیرش ریسک‌های غیرقابل توجیه به صورت عالمانه است و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه) است و هرچه از سمت بالا به پائین سطوح مختلف توجه شود، در واقع عنصر ارادی بسیار ضعیف می‌شود و برعکس دامنه عنصر شناختی (علم و آگاهی) بسیار گسترده‌تر می‌گردد. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد، در ارتباط عنصر شناختی و عنصر ارادی، می‌توان گفت، رفتار عمدی با رفتار ارادی متفاوت است و صرف ارادی بودن عمل مساوی با عمدی بودن آن عمل نیست. اراده تنها به اصل رفتار و عمل ارتكابی تعلق دارد و شامل موضوع و نتیجه نیست و آنچه موضوع و نتیجه را در کنار اراده پوشش می‌دهد، همان علم و آگاهی است که مقدمه لازم برای تحقق وصف عمدی است. بنابراین علم به عنوان یکی از اجزاء رکن روانی است. و تشریع ابعاد مختلف آن باعث می‌شود که مفاهیم اراده و وصف عمدی یا غیرعمدی بودن جرائم مشخص گردد.

فهرست منابع

- آخوندی، روح‌الله. (۱۳۹۱). *مفهوم جہل*. فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۱۳(۱).
- آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۳۸۶). *مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی*، چاپ اول. تهران: گنج دانش.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری. (۱۴۰۵ هـ.ق). *لسان‌العرب*، جلد ۱۱. قم: المیزان.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۸). *حقوق کیفری عمومی*، چاپ سی و ششم، جلد اول و دوم. تهران: میزان.
- برنجکار، رضا. (۱۳۸۰). *حقوق جزای عمومی*، چاپ سی و سوم. تهران: میزان.
- الجوهري، اسماعيل بن حماد. (۱۴۰۷ هـ.ق). *الصحاح تاج اللغة صحاح العربية*، بيروت: دارالعلم للملایین.
- خالقی، ابوالفتح. (۱۳۹۴). *حقوق بین‌الملل کیفری اختصاصی*، چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.
- خالقی، ابوالفتح. (۱۳۹۴). *حقوق بین‌الملل کیفری عمومی*، چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.
- رشنودی، عارف؛ اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۷). *مسئولیت مبتنی بر فعالیت مجرمانه مشترک در حقوق بین‌الملل کیفری*. فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، (۱۶).
- الزبیدی، محمد مرتضی. (۱۳۸۵ هـ.ق / ۱۳۴۴ هـ.ش). *تاج العروس من جواهر القاموس*، جلد ۷. بیروت: مکتب الحیاة.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمدابراهیم. (۱۰۴۱ هـ.ق). *استفاد اربعه*، جلد چهارم، ترجمه: محمد خواجوی. تهران: انتشارات مولی، ۱۳۸۰.
- قیاسی، جلال‌الدین؛ اکرمی، روح‌الله. (۱۳۹۳). *نقش علم به نوعاً کشتندگی رفتار در ساختار قتل عمد از منظر حقوق اسلام و غرب*. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲(۱)، زمستان ۱۳۹۳.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ معین*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- میر سعیدی، سید منصور. (۱۳۹۰). *قلمرو و ارکان مسئولیت کیفری*، چاپ سوم، جلد اول. تهران: انتشارات میزان.
- میرزائی، زهرا؛ خالقی، ابوالفتح. (۱۳۹۹). *معیارهای پذیرش اشتباه در سیستم‌های کیفری ملی و دیوان کیفری بین‌المللی*. فقه، حقوق و علوم جزا، ۵(۱۵).
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۹۲). *حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص*، چاپ یازدهم. تهران: میزان.
- نجیب حسنی، محمود. (۱۳۹۳). *نظریه عمومی قصد جنایی*، ترجمه: سید علی عباس نیاس زارع. تهران: انتشارات میزان.
- یکرنگی، محمد؛ عالی‌پور، حسن. (۱۳۹۴). *معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه*. دوفصلنامه حقوق، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۲(۲ و ۳).
- دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۸۴۲۹۰۰۳۷۹ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۷. شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان ایلام.
- دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۳۹۹۰۰۰۲۲۲۹۵۸ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۷. شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان ایلام.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹.

References

- Rome Statute of the International Criminal Court, 1998.
- Eser, Albin (2002), 'Mental Elements – Mistake of Fact and Mistake of Law' in Antonio Cassese et al (eds), *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, vol. 1) (Oxford: Oxford University Press.
- Cassese, Atonnio (2003), 'The Proper Limits of Individual Responsibility under the Doctrine of Joint Criminal Enterprise' 5 *Journal of International Criminal Justice*.
- Donald K Piragoff and Darryl Robinson (2008), 'Article 30 – Mental Element' in Otto Triffterer (ed), *Co mmentary on the Rome Statute of the International Criminal Court*.
- Glanville Williams (1987), 'Oblique Intention' 46 *Cambridge Law Journal*.
- Kai Ambos (2009), 'Critical Issues in the Bemba Confirmation Decision: Observers' Notes, Article by Article (Baden-Baden: Nomos Verlagsgesellschaft.
- Otto Triffterer (2002), 'The New International Criminal Law – Its General Principles Establishing Individual.
- Clark, Roger S. (2008), 'The Mental Element in International Criminal Law: The Rome Statute of the International Criminal Court and the Elements of Offences' 12 *Criminal Law Forum* 291.

Cases

- Prosecutor v Lubanga Decision on the confirmation charges, *supra* note 1, parass.300-340. 2012.
- Prosecutor v Bemba Gombo (confirmation Decision) ICC-o1/05-01/08, pt ch II 2009.
- Prosecutor v Brđanin Trial Judgement, ICTR, 2001.
- Prosecutor v Blaškić Appeals Chamber IT-95-T, 17 October, 2003.
- Prosecutor v Krstić Trial Judgement, ICTY, 2002.
- Prosecutor v Oric (Judgment) ICTY Appeals Chamber IT-95-9-A, 28 November 2002.

In Persian

- Aghaei Jannet Makan, Hossei (2007), *Criminal responsibility of superiors and their subordinates in international criminal law*, Tehran, Ganj Danesh, first edition.
- Akhundi, Ruhollah (2012), *The concept of ignorance*, research paper on Islamic law, 13th year, number 1.
- Al-Jawhari, Ismail bin Hammad (1407 AH). *Al-Sihah Taj Al-Lughah Al-Sihah Al-Arabiya*, Beirut: Dar Al-Ilm Lil Al-Malayen.
- Al-Zubaidi, Muhammad Murtada, (1385 AH, 1344 AH), *Taj Al-Arous min Jawaher Al-Qamoos*, Haftam volume, Beirut Publications: Al-Hayat Office.
- Ardabili, Mohammad Ali (2018), *General Criminal Law*, first and second volumes, Tehran, Mizan, thirty-seventh edition.
- Brijnkar, Reza (2010), *General criminal law*, Tehran, Mizan, 33rd edition.
- Ibn Manzur, Jamal al-Din Muhammad bin Makram al-Ifriqi al-Misri (1405 AH), *Lisan al-Arab*, Qom: Al-Mizan, vol. 11.

- Khaleghi Abolfath (2014), Exclusive International Criminal Law, Tehran, Majd Publications first, chapter.
- Khaleghi Abolfath (2014), General International Criminal Law, Tehran, Majd Publications, first chapter.
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2012), Specific criminal law (crimes against the person), Tehran, Mizan, 11th edition.
- Mir Saidi, Seyyed Mansour (2011), The scope and elements of criminal responsibility, Tehran, Mizan publications, third edition.
- Mirzaei, Zahra, Khaleghi, Abolfath (2019), Mistake Acceptance Criteria in National Criminal Systems and International Criminal Court, Jurisprudence, Law and Criminal Sciences, Volume 5, Number 15.
- Moin, Mohammad. (1992), Farhang Moin, Tehran: Amir Kabir Publishing House.
- Najib Hosni, Mahmoud (2013), General Theory of Criminal Intent, translation; Seyyed Ali Abbas Nias Zare, Tehran, Mizan Publications, first edition.
- Qiyazi, Jalaluddin, Akrami, Ruhollah (2013), the role of knowledge in the nature of "lethal behavior in the structure of intentional homicide from the perspective of Islamic and Western law", Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Law, number 2, winter 2013, first year.
- Rashnoudi, Aref, Ardabili, Mohammad Ali (2017), responsibility based on joint criminal activity in international criminal law, Criminal Law Studies Quarterly, serial 16.
- Sadrul Matalhin Shirazi, Mohammad Ibrahim (1041 AH), Asfararbaa, Volume IV, translated by Mohammad Khajavi, Tehran, Molly Publications, 1380.
- Yakrangi, Mohammad and Alipour, Hassan (2014), The criterion of knowledge of the occurrence of the result in Iranian criminal law with a comparative approach to English law and Imami jurisprudence, two quarterly law journals, studies of criminal law and criminology of the University of Tehran, volume 2, numbers 2 and 3.

Judicial decisions

- Judgment No. 9809970842900379 dated 27/3/2018- Branch 103 of the Criminal Court Two, Ilam.
- Judgment No. 1400103990000222958 dated 2/27/1400- Branch 103 of the Criminal Court Two, Ilam.

Statutes

- Islamic Penal Code approved in 2013
- Islamic Penal Code (*Taezirat*) approved in 1996
- Criminal Procedure Code approved in 2012
- The Law on Reducing the Punishment of *Taeziri* Imprisonment approved in 2019